گزارش

تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه کره شمالی

گروه بین‌الملل: شورای امنیت سازمان ملل متحد سرانجام طی قطعنامه‌ای، آزمایش‌های اخیر موشکی کره شمالی را محکوم کرد و از این کشور خواست برنامه موشک بالستیک خود را به حال تعلیق درآورد. تمام پانزده عضو شورای امنیت با این قطعنامه موافق بودند اما در لحظات آخر، تغییراتی برای ملایم کردن لحن این قطعنامه، بر آن اعمال شد. براین اساس تمام کشورها موظف می‌شوند از ارائه یا انتقال فناوری موشکی به کره شمالی جلوگیری کنند و در عین حال، کره شمالی موظف می‌شود که از برنامه هسته‌ای خود دست بکشد و به میز مذاکرات شش جانبه بازگردد. ژاپن و آمریکا که حامیان متن اولیه قطعنامه بودند عملاً مجبور شدند بزرگ‌ترین مانع بر سر راه تصویب این قطعنامه را که بحث فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد بود کنار بگذارند. در صورت تصویب پیش‌نویس اولیه مورد نظر آمریکا و ژاپن، استفاده از فصل هفتم منشور ملل متحد و اعمال تحریم‌ها با استفاده از گزینه نظامی نیز در این قطعنامه گنجانده می‌شد. به دنبال تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کره شمالی، جان بولتون نماینده آمریکا اقدام شورای امنیت را «قاطع، آشکار و یکپارچه» خواند اما «پاک گیل یون» نماینده کره شمالی در این شورا در واکنش به قطعنامه مذکور تاکید کرد: «پیونگ یانگ تلاش‌های برخی از کشورها برای سوءاستفاده از شورای امنیت برای تامین اهداف سیاسی را محکوم می‌کند زیرا این تلاش‌ها برای اعمال فشار و به انزوا کشاندن کره شمالی انجام می‌پذیرند.» وی پس از این اعلام موضع، شورا را ترک کرد. این در حالی بود که چین و روسیه تمایلی نداشتند فصل هفتم منشور ملل متحد در قطعنامه علیه کره شمالی مورد توجه قرار گیرد زیرا در آن صورت، حمله نظامی علیه کره شمالی موجه جلوه داده می‌شد. مخالفت این دو کشور با گنجاندن این مسئله در قطعنامه، در حالی انجام گرفت که در زمان جنگ عراق، استفاده دولت آمریکا از این حربه برای استفاده از گزینه نظامی و حمله به عراق، واکنش‌های انتقادی زیادی را برانگیخته بود و در مورد این قطعنامه نیز نماینده چین در شورای امنیت تهدید به استفاده از حق وتو در صورت گنجاندن بخش منشور هفتم ملل متحد در این قطعنامه را مورد توجه قرار داده بود. البته جان بولتون نماینده آمریکا در تمام طول هفته، گنجاندن این بخش را ضروری دانسته بود اما نهایتاً از این سرسختی دست برداشت. وی پس از انجام رای‌گیری اظهار داشت: «ما خواهان همکاری سریع و بدون قید و شرط کره شمالی هستیم.» اما بولتون در عین حال اضافه کرد که اگر «کره شمالی بخواهد راه متفاوتی در پیش بگیرد»، آمریکا و سایر کشورهای جهان فرصت آن را خواهند داشت که برای تصمیم‌گیری بیشتر به شورای امنیت متوسل شوند. واکنش نماینده کره شمالی نسبت به تصویب این قطعنامه جای شکی باقی نگذاشت که پیونگ یانگ چندان علاقه‌ای به پذیرش قطعنامه مذکور و تعهد به آن ندارد و به نظر می‌رسد ادامه برنامه موشکی کره شمالی به عنوان نوعی استراتژی دفاعی مورد توجه این کشور قرار خواهد داشت. اعضای شورای امنیت در خصوص چگونگی واکنش نشان دادن به آزمایش‌های موشکی کره شمالی، رایزنی‌های زیادی را صورت دادند و نهایتاً روز شنبه که قرار بود اجلاس گروه هشت در سن پترزبورگ روسیه نیز گشایش یابد، ژاپن با همراهی آمریکا بر لزوم انجام رای‌گیری در همین روز اصرار کردند. البته رایزنی‌هایی که در خصوص قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کره شمالی صورت گرفت، عمدتاً بر سر تغییر برخی بخش‌های قطعنامه و حتی ترکیب جملات و لحن آن انجام پذیرفت و نهایتاً جابه‌جایی برخی از کلمات توانست توافق اصلی را شکل دهد. در پیش‌نویس اولیه قطعنامه، توقف تمام فعالیت‌های توسعه، اجرا و انجام آزمایش‌های موشک بالستیک کره شمالی مورد توجه قرار گرفته بود اما در قطعنامه نهایی، کلمه «تمام فعالیت‌ها» از این قطعنامه حذف شد. نماینده چین هم پیشتر تاکید کرده بود که تصویب قطعنامه اولیه در خصوص کره شمالی، ممکن بود موانع بسیار بزرگی در راه مذاکرات شش جانبه و تلاش‌های دیپلماتیک به وجود بیاورد.

خبر

اسلام‌گرایان سومالی مشروعیت دولت را پذیرفتند

ایسنا: نماینده اتحادیه عرب در سومالی اعلام کرد: اسلام‌گرایان در سومالی مشروعیت دولت موقت را پذیرفته و اعلام داشتند بر خلاف امتناع رئیس جمهور مذاکرات خود را ادامه می‌دهند. به گزارش خبرگزاری رویترز «عبداللهی یوسف»، رئیس جمهور دولت موقت سومالی، تصمیم به تحریم مذاکرات که قرار است طی روزهای آتی در سودان انجام شود گرفته است تا به این وسیله از وقوع جنگ میان دولتش و جنبش اسلامی که پایتخت و قسمتی از جنوب را در اختیار گرفته‌اند، جلوگیری کند. برخلاف امتناع رئیس جمهور، نمایندگان اسلام‌گرایان به خارطوم سفر کردند تا مذاکرات اولیه خود را با اتحادیه عرب که دور اول آن ماه گذشته در سومالی شکست خورد، برگزار کنند. «زید الصبان» فرستاده اتحادیه عرب به سومالی در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز گفت: آنها بر اهمیت حفظ مشروعیت دولت تاکید دارند. وی افزود: آنها نمی‌خواهند علیه دولت اقدام کنند به خصوص این که آنها تصمیمی بر انجام حمله علیه بیدوآ را ندارند. دولت موقت در شهر بیدوآ مستقر است. به نظر می‌رسد موگادیشو که بعد از خروج «محمد زیادباره» دیکتاتور نظامی در سال ۱۹۹۱ دچار هرج و مرج شده است، محل امنی برای استقرار دولت جدید که در کنیا شکل گرفته، نباشد.

ادامه از صفحه ۸

رهبران چین به دنبال دستیابی به بمب اتم در ۱۹۶۴ به تدریج متوجه شدند که اقتدار در صحنه جهانی برخلاف گفته مائو بستگی به ظرفیت‌های نظامی ندارد بلکه در وهله اول می‌بایستی ظرفیت‌های اقتصادی مدرن و متحول را به وجود آورد. سفر نیکسون به چین در آغاز دهه ۱۹۷۰ نمایانگر این واقعیت شد که رهبران کمونیست در چین به این پذیرش رسیده‌اند که دشمنی با آمریکا هر چند از نظر تبلیغاتی در کشورهای جهان سومی ممکن است خوشایند جلوه کند اما هیچ کمکی به ارتقای جایگاه آنان در صحنه جهانی نمی‌کند. در زمانی که ژاپن به اعتبار در صحنه جهانی دست یافته است و کره جنوبی به یک قطب جدید در قاره آسیا در حال تبدیل شدن است صعود دنگ شیائو پینگ سرانجام به زدودن تفکر ایدئولوژیک و مرگ همیشگی آن منجر شد و ضرورت توسعه اقتصادی به عنوان معیار عملکرد چین در ارزیابی‌های داخلی و خارجی کشور قرار گرفت.

چین منافع ملی خود را به تعریف دوباره نشست و اعلام شد که تنها گزینه برای تامین منافع ملی چین و ارتقای کشور به جایگاهی هم‌سطح با بازیگران دیگر آسیایی بالاخص ژاپن تنها و تنها از مسیر دگرگونی اقتصادی و رشد اقتصادی حاصل می‌شود. برای تبدیل شدن به یک بازیگر فراقاره‌ای و تاثیر گذار در صحنه جهانی در ابتدا می‌بایستی زیرساخت‌های اقتصادی را به وجود آورد و رشد اقتصادی بالا را حیات داد. چین به جهت برخورداری از وسعت جغرافیایی و به عبارتی عمق استراتژیک، منابع وسیع و فراوان زیرزمینی، نیروی کار فراوان، بازار گسترده بالقوه برای فروش کالاها، فرهنگ صرفه‌جویی، تکیه بر منطق تولید برای صادرات، وجود ساختار سیاسی مشتاق و طرفدار هرچه سریع‌تر توسعه اقتصادی، امکان دسترسی به سرمایه‌های وسیع چینی‌های مقیم کشورهای دیگر و اعتبار تحصیلات و فراگیری دانش در کشور از بالاترین و بیشترین امکان برای پیشی گرفتن از آمریکا به عنوان قدرت اول اقتصادی جهانی برخوردار است. امروزه چین بعد از آمریکا و ژاپن و آلمان چهارمین اقتصاد جهانی و بالاتر از انگلستان، فرانسه و ایتالیا به عنوان قدرت‌های اقتصادی پنجم، ششم و هفتم قرار دارد. از سال ۱۹۷۸ کشور چین دقیقاً همان سیاستی را دنبال کرد که ایالات متحده آمریکا در طول قرن نوزدهم مبنای شکل دهنده به سیاست‌های خود قرار داد. رهبران آمریکا این اعتقاد را داشته که برای ایفای نقش تعیین‌کننده در صحنه جهانی در وهله اول باید از یک اقتصاد رقابتی و زیرساخت‌های مستحکم و پویا برخوردار باشند. تنها کشورهایی می‌توانند سیاست خارجی جهانشمول و جهانی داشته باشند که از ظرفیت‌های اقتصادی توانمند در رقابت با دیگر کشورها برخوردار باشند و از آنچنان توسعه اقتصادی‌ای برخوردار باشند که به جای اتکا به بازار خارجی برای تداوم رشد، از یک بازار داخلی با قدرت خرید بالا بهره‌مند باشند. کشور چین از سال ۱۹۷۸ به کپی‌برداری منطق توسعه رهبران آمریکا در قرن نوزدهم برای توانایی در رقابت با آمریکا در قرن بیست و یکم پرداخت.

هدف چین دستیابی به جایگاه بین‌المللی همتراز با آمریکا و در صورت امکان تحت‌الشعاع قرار دادن این کشور است. چین درصدد است به آرزوهای تاریخی برای ایفای نقش اول در صحنه بین‌المللی دست یابد و امپراتوری میانه را در بعدی جهانی حیات دوباره بخشد. چین برای تحقق سیاست همترازی با آمریکا در حیطه اقتصادی یک دوره ۲۵ ساله را برای خود ترسیم ساخته است. هدف چین تهدید آمریکا و تضعیف ارزش‌های لیبرال و شیوه زندگی آمریکایی نیست. چین درصدد است که به یک قطب تبدیل شود و در موقعیتی قرار گیرد که از نظر سیاسی به حوزه نفوذ جهانی دست یافته باشد، توسعه اقتصادی به دنبال خود محققاً ظرفیت‌های نظامی چین را بالا می‌برد و تکنولوژی مورد نیاز برای تبدیل این کشور به قدرت نظامی طراز اول را فراهم می‌کند. رهبران چین قدرت را در لوله تفنگ نمی‌یابند بلکه آگاه هستند که برای داشتن وزن نظامی در قلمرو گیتی، دودکش کارخانه‌ها، مانیتور کامپیوترها و ظرفیت‌های رسانه‌ای هستند که تعیین‌کننده‌اند. چین به مانند کشورهای غربی توسعه اقتصادی را مسیر اقتدار و بزرگی قرار داده است. این به معنای آن است که این کشور ملاک‌ها، معیارها و ارزش‌های غربی را مشروعیت داده است و نهادینه شدن ساختارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری و ذهنی غربی را که به تدریج در حال پخش شدن در چین هستند قبول کرده است. چین می‌خواهد آمریکا را به زیر بکشد و جایگزین این کشور به عنوان اقتصاد اول دنیا شود و خواهان این است که حوزه نفوذ خود را در قلمرو سیاسی افزایش دهد. چین درصدد حذف آمریکا و محو این کشور نیست چون که این کشور در چارچوب معیارها و مولفه‌های غربی عمل می‌کند. چین به مانند ژاپن و آلمان با آمریکا به رقابت پرداخته است. اما تنها این کشور به خاطر جمعیت فراوان‌تر، جغرافیای ارضی وسیع‌تر، دسترسی به منابع زیرزمینی در داخل کشور و در نتیجه عدم وابستگی به مواد اولیه در خارج از سرزمین خود به طور بالقوه از این موقعیت برخوردار است که آمریکا را از اریکه به پایین بکشد و به قدرت اول جهانی تبدیل شود. چین می‌خواهد جایگزین آمریکا شود و هیچ گونه قصد و نیتی برای به مخاطره انداختن موجودیت و هویت آمریکا ندارد. تروریسم، هویت و موجودیت آمریکا را هدف قرار گرفته است. تروریسم آمریکا را سمبل ضدیت با ارزش‌های تاریخی حاکم بر خاورمیانه می‌یابد. بنابراین آمریکا را به عنوان یک بازیگر دشمن در نظر می‌گیرد و هدف خود را محو این دشمن می‌داند. چین به عنوان یک «قدرت در حال خیزش» به این نیت است که به بازیگر همتراز آمریکا در شکل حداقل آن و به یک قدرت برتر از آمریکا در شکل حداکثر آن تبدیل شود. چین ساختار اقتصادی‌ای را پذیرفته است که آمریکا درصدد اشاعه آن در سرتاسر جهان است. چین سرمایه‌داری را الگوی اقتصادی خود قرار داده است. چین ملی‌گرایی اقتصادی را نفی می‌کند و تجارت آزاد را حمایت می‌کند و به همین رو است که سازمان تجارت جهانی را نهاد مشروع اقتصادی قلمداد می‌کند. یکی از ارکان سیاست خارجی آمریکا از زمان استقلال این کشور تاکنون همانا اشاعه تجارت آزاد بوده است. دولت چین به تدریج در مسیری گام برمی‌دارد که ضرورتاً به معنای پذیرش ارزش‌های لیبرالیسم است و اشاعه ارزش‌های لیبرالیسم یکی از مهمترین اهداف آمریکا در صحنه جهانی است. با درنظر گرفتن این نکات متوجه می‌شویم که چرا آمریکا درصدد جلوگیری از خیزش چین نیست و حتی یکی از مهمترین سرمایه‌گذاران خارجی در کشور چین است و کسری تراز بازرگانی خارجی آمریکا با چین بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار به نفع چین است. آمریکا به اجازه دادن به ایفای نقش اساسی به‌وسیله چین در بازار داخلی خود، نه‌تنها موجب ایجاد شغل در چین می‌شود بلکه به یک منبع دائمی و قابل اتکا در راستای تامین بخشی از سرمایه مورد نیاز چین برای تداوم توسعه اقتصادی تبدیل شده است. آمریکا به یک نیروی کمکی در جهت رشد چین تبدیل شده است و سیاستی در قبال جلوگیری از خیزش چین به‌عمل نمی‌آورد. چرا که آمریکا به هیچ عنوان به چین به عنوان دشمن نگاه نمی‌کند. از نظر آمریکا چین یک رقیب است همانطور که ژاپن یک رقیب است. دولت چین هم با سیاست‌های خود در سه دهه گذشته نشان داده است که آمریکا را نه یک دشمن بلکه یک رقیب در نظر می‌گیرد و هدفش همترازی و یا برتری در صحنه جهانی در مقام مقایسه با آمریکا است. چین هیچ‌گاه به اقدامی دست نزده است که چالشی در خصوص موجودیت آمریکا و حتی به‌خطر افتادن منافع حیاتی این کشور باشد. در خصوص سه حرکت مهم نظامی آمریکا بعد از سقوط دیوار برلین یعنی حمله آمریکا به کویت، حمله آمریکا به افغانستان و در نهایت عراق، هیچ حرکتی به شکل ملموس به‌وسیله چین اتخاذ نشد که مانعی جدی در سر راه عملی شدن خواست‌های آمریکا باشد. آمریکا و چین رقیب یکدیگر هستند و هرکدام درصدد است که جایگاهی برتر داشته باشد. دو کشور موجودیت یکدیگر را تهدید نمی‌کنند، چین خواهان تهدید آمریکا نیست. تروریسم موجودیت آمریکا را هدف قرار داده است در حالی که چین جایگاه جهانی آمریکا را مطلوب یافته است و خواهان در اختیار گرفتن آن جایگاه است.

■ **آمریکا، هندوستان و پاکستان**

روابط آمریکا با دو کشور مطرح آسیایی یعنی هندوستان و پاکستان از آن جمله تعاملات بین‌المللی است که به گونه‌ای بسیار وسیع متاثر از دغدغه‌های جهانی آمریکا است. کیفیت روابط آمریکا با این دو کشور بیش از آنکه برآمده از جایگاه، موقعیت و ظرفیت‌های آنها باشد ناشی از ارزیابی آمریکا از خطراتی است که منافع حیاتی این کشور را تهدید می‌کند. نگاه آمریکا به هندوستان و پاکستان در ابتدا از قیف تهدید امنیتی تروریسم برای آمریکا و از تبدیل چین به یک رقیب جدی برای آمریکا می‌گذرد. پس سیاست‌های آمریکا در خصوص این دو بازیگر مهم آسیایی به شدت متاثر از ارزیابی‌های آمریکا از موضوع تروریسم و خیزش چین است. به همین روی است که آمریکاییان در رابطه با هندوستان و پاکستان قبل از هر تصمیمی در ابتدا به بررسی موضوع تروریسم و خیزش و ظهور چین می‌پردازند و براساس این ارزیابی‌ها است که به بیان نگاه خود می‌پردازند. یکی از پایه‌های حیات‌دهنده دکترین بوش منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی است و علت حمله به عراق اصولاً در چارچوب این مسئله شکل گرفت و صحبت از محور شرارت در سال ۲۰۰۲ با توجه به موضوع دغدغه از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی به‌وجود آمد. با در نظر داشتن این نگرش تئوریک به صحنه جهانی است که می‌بایستی تعجب‌انگیز جلوه کند چگونه رهبر آمریکا در سفر خود در ماه مارس سال ۲۰۰۶ قول در اختیار گذاشتن اورانیوم غنی شده به هندوستان را مطرح می‌کند. هندوستان معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را به مانند کره شمالی امضا نکرده است و از بیست و دو رآکتور اتمی که این کشور در اختیار داد تعداد هفت رآکتور کاملاً کارکرد نظامی دارند. درست است که پارلمان هندوستان در سال ۲۰۰۱ مورد حملات تروریستی قرار گرفت اما کشورهایی که آمریکا آنها را تهدیدی برای امنیت جهان قلمداد می‌کند نیز مورد حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. عده‌ای این استدلال را مطرح می‌کنند که علت نزدیکی فزاینده آمریکا به هندوستان به دلیل ارزش‌های مشترک مانند احترام به دموکراسی، حقوق اقلیت‌ها و حمایت از تجارت آزاد است. هندوستان به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان برای کشوری که به عنوان اولین دموکراسی جهان مطرح است به ضرورت نزدیکی و همکاری را می‌طلبد. اما پرواضح است که بعضی از کشورهایی که متحد نزدیک آمریکا هستند اصولاً ارزش‌های دموکراتیک را قبول ندارند و حتی کشورهایی هستند که به مقوله انتخابات وفادار هستند اما دشمنی آمریکا را تجربه می‌کنند. آمریکا از زمان بیل کلینتون به هندوستان به عنوان یک متحد در قالب‌های استراتژیک نگاه می‌کند. چه در دوران واجپایی راست‌گرا در دهه ۱۹۹۰ و چه امروزه که سینگ از حزب کنگره با نگرش چپ میانه در صدر قدرت است، آمریکا معیارهای دوگانه را در مورد هندوستان اعمال می‌کند. با وجود اینکه هندوستان در سال ۱۹۹۸ به انجام آزمایشات هسته‌ای با وجود مخالفت کشورهای بزرگ جهان از جمله آمریکا پرداخت و تحریم اقتصادی را پذیرفت، اما این واقعیت را از همان آغاز به نمایش گذاشت که طرفدار سرمایه‌داری، تجارت آزاد و ارزش‌های لیبرال است. هندوستان با وجود عدم امضای معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، با وجود دست زدن به آزمایش‌های هسته‌ای و با وجود عدم قبول همه‌پرسی برای حل و فصل موضوع کشمیر، برای آمریکا واضح و مشخص ساخته است که از جنسی است که آمریکا برای آن مشروعیت قائل است. هندوستان ارزش‌ها و مفاهیم موجودیتی آمریکا را تهدید نمی‌کند و تنها درصدد ارتقای موقعیت و جایگاه جهانی خود در قالب چارچوب‌های اقتصادی و ارزشی همسو با آمریکا است. هندوستان توسعه‌یافته، اتمی، قدرتمند و مطرح از نظر آمریکا وزنه‌ای نگریسته می‌شود که حرکت چین به سوی اقتدار را کنترل و تعدیل خواهد کرد. آمریکا درصدد لطمه زدن به چین نیست همان‌طور که چین چنین سیاستی را دنبال نمی‌کند. آمریکا با توجه به اینکه بازیگران بین‌المللی در جهت حفظ منافع خود تلاش می‌کنند و منفعت‌محور هستند خواهان حفظ جایگاه کنونی خود است. چین به عنوان یک قدرت در حال خیزش پرواضح است که خواهان جایگزینی آمریکا است. آمریکا این سیاست را دنبال می‌کند که با ایجاد یک اتحاد استراتژیک با هندوستان و نگاه به این کشور به عنوان یک متحد استراتژیک، هزینه‌های خیزش چین را به سوی یک جایگاه مطلوب‌تر بین‌المللی افزایش دهد و در نتیجه صعود چین را کند کند، با کمک به ایجاد یک قدرت در همسایگی چین که از مولفه‌های متفاوت قدرت برخوردار است این فرصت برای آمریکا ایجاد می‌شود که از طریق «سیاست‌های تاخیری» از توفیق چین برای دستیابی به جایگاهی همتراز آمریکا جلوگیری کند. حمایت همه‌جانبه هندوستان از حمله آمریکا به افغانستان برای رهبران آمریکا محرز ساخت که هندوستان توانمند در جنوب آسیا یک «دارایی استراتژیک» محسوب می‌شود و این کشور به عنوان یک وزنه متوازن‌کننده چین از اهمیت فراوان برخوردار است. با در نظر گرفتن این واقعیت بود که آمریکا در جهت خشنود ساختن هندوستان بسیاری از گروه‌های استقلال‌طلب کشمیری را در زمره گروه‌های تروریستی قرار داد و از بین بردن آنها را در جهت تامین منافع آمریکا قلمداد ساخت. چین برای ارتقا به یک قدرت طراز اول بین‌المللی می‌بایستی در ابتدا توجه را معطوف به همسایه خود هندوستان کند. با در نظر گرفتن این نکته حیاتی است که قابل درک می‌شود چرا اجماع فراوان و یک‌دست در بین نخبگان آمریکایی در نزدیکی با هندوستان و نادیده انگاشتن بلندپروازی‌های اتمی این کشور وجود دارد. از هجده عضو کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا، شانزده عضو به قراردادهایی که در زمان اقامت رئیس جمهور محافظه‌کار آمریکا در هندوستان با رهبر چپ میانه بسته شد رای مثبت دادند. توافق هسته‌ای آمریکا و هندوستان که برخلاف قانون ممنوعیت همکاری هسته‌ای با کشورهایی که قرارداد عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را امضا نکرده‌اند تا حدود بسیاری مبتنی بر این واقعیت است که تصمیم گیرندگان آمریکایی خواهان ایجاد وزنه‌ای متعادل‌کننده در کنار چین هستند تا از این طریق اولاً جایگاه کنونی آمریکا را تداوم بخشند و از سویی دیگر هزینه‌های چین برای رقابت با آمریکا را افزایش دهند. در نظام بین‌المللی پس از سقوط شوروی دگرگونی ایجاد شد و این معادلات بین‌المللی را به شدت متحول ساخت. هندوستان که در دوران جنگ سرد نزدیکی با شوروی را مسیر ارتقای جایگاه بین‌المللی یافته بود به سرعت خود را با واقعیات جدید جهانی تطبیق داد و آمریکا را جایگزین شوروی ساخت. آمریکا این قدرت تطبیق هندوستان را با پذیرش این کشور به کلوپ هسته‌ای و انتقال بخش وسیعی از سرمایه‌گذاری خارجی خود را در خارج از اروپا به هندوستان پاسخ داده است. همان‌طور که می‌بایستی کیفیت روابط آمریکا و هندوستان را با منطق حاکم بر نگرش آمریکا در خصوص خیزش چین در صحنه جهانی به ارزیابی نشست، سیاست آمریکا در رابطه با پاکستان را نیز باید در چارچوب سیاست مبارزه با تروریسم این کشور جست‌وجو کرد. همان‌گونه که هندوستان خط مقدم جبهه برای کنترل پیامدهای ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی است، آمریکا پاکستان را خط مقدم جبهه در مبارزه با تروریسم قلمداد می‌کند. هر چند که بیشترین میزان منابع مالی گروه‌های تروریست در عربستان تامین می‌شود. وسیع‌ترین منبع انسانی که گروه‌های تروریست از آن به یارگیری می‌پردازند در کشورهای عرب هستند. برای آمریکا واضح است که پاکستان سرزمینی است که پایگاه‌های تعلیماتی و مخفیگاه رهبران تروریستی در آن واقع شده است. آمریکا با وجود اینکه سیاست اشاعه دموکراسی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است با حضور یک ژنرال که از طریق کودتا به قدرت دست یافت به عنوان رهبر پاکستان مخالفتی ابراز نمی‌کند و روابط نزدیکی با حکومت پاکستان دارد. فروش نزدیک به پنج میلیارد دلار جنگنده‌های اف‌پانزده به پاکستان بعد از سال‌ها تحریم فروش تسلیحات به این کشور نمایانگر نقش کلیدی‌ای است که پاکستان در استراتژی مبارزه با تروریسم از نظر آمریکا بازی می‌کند. با وجود اینکه تروریست‌ها به راحتی از مرزهای پاکستان به کشور موردنظر وارد می‌شوند و دولت این کشور فاقد توانایی برای کنترل مرزهای کشور است، آمریکا عملکرد دولت پاکستان را بسیار حیاتی در مبارزه با تروریسم یافته است. ناتوانی پاکستان ناشی از عدم علاقه رهبران این کشورها در مبارزه با تروریسم نیست بلکه برآمده از ماهیت قبیله‌ای و فقدان وجود یک دولت مقتدر است. آمریکا برای از بین بردن تهدید گروه‌های تروریستی می‌بایستی شرایطی را شکل دهد که حکومت در پاکستان، نزدیکی با آمریکا را عاملی برای تداوم خود بیابد. با در نظر گرفتن ناتوانی حکومت برای نمایش کنترل در سرتاسر سرزمین، وجود گروه‌های قبیله‌ای مخالفت با حضور حکومت در مناطق تحت کنترل آنها و ناتوانی حکومت در تامین حداقل رفاه در جامعه‌ای که نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند برای آمریکا واضح است که این کشور جایگاه بسیار امنی برای تروریست‌ها و رهبران تروریست برای مخفی شدن، یارگیری، تعلیمات تروریستی و هدایت عملیات تروریستی برای ضربه زدن به منافع ملی آمریکا است. برای آمریکا بسیار حیاتی است که حکومتی در پاکستان بر سر کار باشد که اولاً مورد قبول نظامیان باشد و ثانیاً با سیاست‌های ضدتروریستی واشینگتن همسو باشد. در راستای این سیاست است که نقض حقوق فردی و تضعیف فرآیندهای دموکراتیک به وسیله رهبر نظامی پاکستان نادیده گرفته می‌شود. دغدغه اولیه آمریکا از بین بردن تهدید تروریسم است که موجودیت این کشور را هدف قرار داده و پاکستان خط مقدم جبهه برای نابود ساختن تروریسم است قبل از اینکه آنها قادر باشند در سرتاسر جهان منافع آمریکا را به خطر بیندازند. آگاهی رهبران پاکستان به نیازهای استراتژیک آمریکا منجر به این شده است که آنان در معادلات خود درخصوص اعتراضات گاه و بی‌گاه آمریکا و تحریم‌هایی که به وسیله این کشور اعمال می‌شود به آرامی واکنش نشان دهند. این آگاهی برای آنها وجود دارد که الزامات داخلی، آمریکا را ملزم می‌سازد که درخصوص نقض حقوق بشر و نادیده‌انگاری رویه‌های دموکراتیک در پاکستان به ابراز نظر بپردازند. روابط آمریکا با پاکستان به شدت متاثر از دغدغه‌های امنیتی آمریکا در راستای مبارزه با تروریسم است همان‌گونه که روابط این کشور با هندوستان از نگرش آمریکا نسبت به موقعیت چین متاثر می‌شود. آمریکا دارای سیاست خارجی بین‌المللی است و در نتیجه روابط دوجانبه این کشور به ضرورت متاثر از مولفه‌هایی است که اصولاً ارتباطی با ویژگی‌های کشور طرف رابطه ندارد بلکه تنها در تصویر کلان استراتژی جهانی آمریکا اهمیت و ارزش دارد. مثلث آمریکا، هندوستان و پاکستان را باید تنها در رابطه با مثلث آمریکا، تروریسم و چین به ارزیابی نشست و ارزیابی کرد.

خلاصه مقاله

۱- توافق هسته‌ای آمریکا و هندوستان تا حدود زیادی مبتنی بر این واقعیت است که تصمیم‌گیرندگان آمریکایی خواهان ایجاد وزنه‌ای متعادل‌کننده در کنار چین هستند تا از این طریق اولاً جایگاه کنونی آمریکا را تداوم بخشند و از سویی دیگر هزینه‌های چین برای رقابت با آمریکا را افزایش دهند.

۲- برای آمریکا واضح است پاکستان سرزمینی است که پایگاه‌های رهبران تروریستی در آن واقع شده است. با وجود این که آمریکا سیاست اشاعه دموکراسی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده، با حضور یک ژنرال که از طریق کودتا به قدرت دست یافت به عنوان رهبر پاکستان مخالفت نمی‌کند و روابط نزدیک با حکومت پاکستان دارد.

خبرها

تعلیق مذاکرات هند و پاکستان

مهر: «مان موهان سینگ» نخست‌وزیر هند بدون اشاره مستقیم به پاکستان، اعلام کرد که براساس تحقیقات صورت گرفته تروریست‌ها در هند از آن سوی مرز حمایت می‌شوند. به نوشته روزنامه «لوموند» نخست‌وزیر هند اشاره مستقیمی به پاکستان نکرد، اما این مسئله به طور روشن کافی است که اسلام‌آباد بار دیگر این اتهامات را رد کند. در همین حال «تسنیم اسلام» سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در پاسخ به این اظهارات گفت: این اتهامات بی‌پایه و اساس است و ما آن را کاملاً رد می‌کنیم. نخست‌وزیر هند خاطرنشان کرد: آنان می‌خواهند به روشنی به اقتصاد ما ضربه وارد کنند و وحدت ما را از بین ببرند. یک مقام عالی‌رتبه از وزارت خارجه هند که می‌خواست نامش فاش نشود به رویترز گفت هند به دلیل تردید درباره بمب‌گذاری‌های صورت گرفته در بمبئی و اینکه امکان دارد این اقدام از سوی شبه‌نظامیان مستقر در پاکستان صورت گرفته باشد، مذاکرات صلح را با این کشور به حالت تعلیق درآورد. این تصمیم چند روز پس از انفجارهای ایستگاه قطار بمبئی در هند روی داد که بر اثر آن ۱۷۹ تن کشته و صدها تن دیگر مجروح شدند. اگرچه تاکنون به طور دقیق مشخص نشده که عامل این حملات تروریستی چه فرد یا گروهی بوده است اما مقامات رسمی هند به لشگر طیبه مستقر در پاکستان و آژانس جاسوسی ارتش این کشور و خدمات اطلاعاتی آنها مظنون است.

مرگ ۲۲ شورشی در افغانستان

بی‌بی‌سی: مقامات در افغانستان می‌گویند در اثر درگیری‌های جداگانه در چندین ولایت جنوب این کشور دست‌کم ۲۲ تن از شورشیان مخالف دولت کشته شده‌اند. این درگیری‌ها در ولایات «هلمند»، «زابل»، «اروزگان» و «قندهار» صورت گرفته که به گفته مقامات وزارت دفاع افغانستان در آن پنج نفر از سربازان ارتش این کشور نیز زخمی شده‌اند. این درگیری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که نظامیان آمریکایی از اجرای حملات هوایی به مواضع طالبان در هلمند خبر دادند. بیش از سه هزار و پانصد سرباز بریتانیایی تحت فرمان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، در ولایت آشوب‌زده هلمند حضور دارند تا به استقرار امنیت و گسترش حاکمیت دولت مرزی در این منطقه کمک کنند. سربازان بریتانیایی تاکنون بارها با شورشیان مخالف دولت درگیر شده‌اند و ظرف یک ماه گذشته شش تن از این سربازان در جریان این درگیری‌ها کشته شده‌اند. گزارش‌های دریافتی حاکی است علاوه بر ۳۰۰ نیروی انگلیسی، ۷۰۰ نظامی آمریکایی و کانادایی در این عملیات که با پشتیبانی هوایی نیروهای آمریکایی صورت گرفت، شرکت داشتند.

پیشنهاد چچنی‌ها به روسیه

ایسنا: در پی پیشنهاد عفو دولت روسیه به جدایی‌طلبان چچنی، یکی از نمایندگان بلندپایه جدایی‌طلبان گفت، جدایی‌طلبان چچن حاضرند در ازای صلح از تلاش برای استقلال دست بردارند. این در حالی است که جناح تندرو جنبش جدایی‌طلبان هیچ گونه علائمی مبنی بر موافقت با این مسئله نشان نداد. به گزارش خبرگزاری فرانسه «احمد زاکایف» که به عنوان وزیر امور خارجه جدایی‌طلبان چچن شناخته می‌شود و تحت تعقیب است، با ارسال نامه‌ای به نشست سران گروه هشت در سن پترزبورگ نوشت: مردم چچن همواره خواستار استقلال بوده‌اند. زاکایف که به انگلیس پناهنده شده، در نامه‌ای که روز شنبه در دو وب‌سایت جدایی‌طلبان منتشر شد، نوشت: اما اگر راه‌حل‌های دیگری برای برقراری صلح با روس‌ها پیدا شود، ما حاضریم به مذاکره بنشینیم. «نیکلای پاتروشف» رئیس سرویس‌های مخفی FSB روسیه برای جدایی‌طلبان یک عفو دوهفته‌ای تعیین کرد و گفت: کشته شدن شامیل باسایف، جنگ‌سالار چچنی، راه صلح را باز کرده است. پاتروشف طی یک سخنرانی تلویزیونی قول داد که برخورد عادلانه و بی‌طرفانه با مبارزانی که سلاح‌های خود را زمین می‌گذارند، تضمین کند.

مرگ ۸ نظامی ترک در درگیری با پ‌ک‌ک

ایرنا: در تازه‌ترین درگیری بین نیروهای نظامی ترکیه با اعضای حزب کارگران کرد ترکیه (پ‌ک‌ک) شنبه‌شب هشت نظامی کشته شدند. به گزارش خبرگزاری آناتولی این درگیری در حومه شهر «اروح» واقع در جنوب شرق ترکیه اتفاق افتاد. نیروهای انتظامی ترکیه برای شناسایی و دستگیری اعضای «پ‌ک‌ک» که در پی این درگیری با استفاده از تاریکی شب متواری شده‌اند، عملیات گسترده‌ای را در منطقه «اروح» آغاز کرده‌اند. در ماه‌های اخیر فعالیت‌های مسلحانه «پ‌ک‌ک» در مناطق شرق و جنوب شرق ترکیه افزایش یافته و اعضای «پ‌ک‌ک» با انفجار مین ده‌ها تن از نیروهای دولتی را به قتل رسانده یا زخمی کرده‌اند. در یک ماه گذشته بیش از ۴۰ تن از طرفین درگیر کشته و ده‌ها تن دیگر نیز زخمی شده‌اند.

واکنش جدید آمریکا به تحولات نپال

ایسنا: روزنامه «کاتماندو پست» نوشت آمریکا از نقش احتمالی سازمان ملل در روند صلح نپال حمایت می‌کند. به گزارش خبرگزاری شینهوا کاتماندو پست به نقل از «ریچارد بوچر» مشاور وزیر امور خارجه آمریکا در امور آسیای مرکزی و جنوبی اعلام کرد: ما از مشارکت سازمان